

تنوع زبان

در آثار

ماریو بارگاس یوسا

عبدالله کوثری

منتقدانی که درباره آثار ماریو بارگاس یوسا نوشته‌اند جملگی بر این نکته توافق دارند که او قصه گویی چیره دست و داستان‌پردازی هم‌تراز با استادان بی بدیل داستان نویسی قرن نوزدهم چون فلوربر، تولستوی و... است. خوانندگان فارسی زبان آثار بارگاس یوسا هم بی گمان با این منتقدان هم‌آوازند. آثار بارگاس یوسا طیف وسیع و پرتنوعی را تشکیل می‌دهد. تنوع مضمون، مکان، شخصیت‌ها. در واقع هر یک از رمان‌های او تجربه زبان جدیدی است. اما پرداختن به همه رمان‌های این نویسنده در این مجال مختصر میسر نیست. پس در اینجا می‌کوشم با شرحی مختصر از مضمون چند رمان عمده او به نحوه کاربرد زبان در این نوشته‌ها اشاره بکنم.

به گمان من مناسبترین کتاب برای آغاز این بررسی کتاب «گفتگو در کاتدرال» است، چرا که این کتاب جایگاه یوسا را در میان نویسندگان بزرگ آمریکای لاتین تثبیت کرد و از حیث کاربرد زبان نیز برآستی کم نظیر و شاید بی نظیر باشد. در «گفتگو در کاتدرال» نقش راوی به حناقل ممکن رسیده و بار اصلی روایت بر دوش گفتگوهاست. در واقع ما از طریق گفتگوهای متعدد با رویدادها و شخصیت‌ها آشنا می‌شویم. به یک معنی می‌توان گفت این کتابی است ساخته شده بر پایه زبان و کاربردهای گوناگون زبان. محور اصلی کتاب گفتگوی درازی است که تا آخر داستان ادامه می‌یابد اما در حول این محور ما چندین گفتگوی جداگانه داریم که در مکان‌ها و زمان‌های متفاوتی جریان دارد. شخصیت‌ها نیز تنوع بسیار دارند؛ از دانشجو و روزنامه‌نویس تا ژنرال‌ها و از روسیایان و کارگران بارانداز تا سناتورها. بدیهی است که هر یک از این شخصیت‌ها زبانی خاص خود دارد. که در ترجمه کتاب کوشیدم تا حد ممکن این تفاوت زبان در متن فارسی هم بازتاب یابد و یکی از مشکلات و جذابیت‌های کار ترجمه این رمان همین بود. چنانچه از این گفتگوها ما شاهد چند تک‌گویی یا گفتگوی درونی نیز هستیم که باز زبانی متفاوت طلب می‌کرده. تلاخل گفتگوها در این کتاب چنان است که گاه احتمال سردرگمی خواننده زیاد می‌شود اما آن چه به او یاری می‌رساند تشخیص زبان هر یک از قهرمان‌ها و نیز مضمون گفته‌های اوست. به گونه‌ای که خواننده وقتی در خواندن کتاب «جافتاد» بی‌آن که نام گوینده برده شود از مضمون حرف او و نحوه گفتارش کم و بیش به هویت گوینده پی می‌برد. از این روست که نقش زبان در این رمان بسیار زیاد است. از نمونه‌های زیبای کاربرد زبان یکی، تک‌گویی یا گفتگو درونی آمالیا در جلد اول ص ۲۳۲ به بعد است. ما در این تک‌گویی با گوشه و

کنار خانه برمودس آشنا می‌شویم، اثاثیه خانه را یک به یک می‌شناسیم و نیز روابط خانم و آقای خانه رفتار هر یک از این دو با دیگران و بسیار چیزهای دیگر، سادگی و روانی زبان چنان است که ما بی آن که نیاز به توصیف دیگری داشته باشیم شخصیت آمالیا را نیز به گونه‌ای کامل در می‌یابیم و آمالیا هم چنان که از دیگران می‌گوید ما را با خود نیز آشنا می‌کند. همچنین تکه‌هایی از کتاب که زاوالتا با خود گفتگو می‌کند در عین تمایز زبان از زیباترین بخش‌های کتاب است. زبان راوی نیز گرچه نقشی حناقل دارد. مثلاً در همان صفحه اول در توصیف شهر لیما و چند صحنه ملاقات و یا مثلاً توصیف صحنه سگ کنشی به راستی در نوع خود کم نظیر است. این همه جز با چیرگی کامل بر زبان و شیوه کارگیری زبان‌های گوناگون میسر نمی‌شد. بارگاس یوسا بعد از «گفتگو در کاتدرال» و پیش از آن که به اثری سترگ چون «جنگ آخر زمان» برسد چند کتاب مهم دیگر منتشر کرد. از جالبترین این کتاب‌ها یکی «خاله خویلا و سناریونویس» است که در واقع شرحی از ماجرای اولین ازدواج نویسنده با خانمی از اقوام مادرش است که ده دوازده سال از خودش بزرگتر بوده. یوسا در این کتاب گفت دو زبان متفاوت را به کار می‌گیرد. یکی زبان روایت ماجرای اصلی است که این زبان ظرافتی آمیخته به طنز دارد و به روشنی و شیرینی تب و تاب‌های عشق آن نوجوان را به ما می‌نماید. زبان دوم، تا حدودی زبان نمایشنامه‌های رادیویی اشخاص درگیر در تولید و عرضه این نمایشنامه‌ها و داستان هاست که در انگلیسی به آن soapopera می‌گویند و معادل فارسی‌اش مثلاً سریال آبی یا سریال آبگوشتی است. در سرتاسر کتاب این دو زبان در کنار هم حضور دارند. اما کتاب دیگر که از حیث کاربرد زبان بسیار جذاب است کتابی است به نام «سروان پاتوخوا و ماموریت ویژه» (خدمات ویژه) در این کتاب بارگاس یوسا زبان رسمی رایج در ارتش را به کار می‌گیرد اما برای روایت مطلبی که هیچ ربطی به عوالم ارتش ندارد. و همین فقدان ارتباط مایه طنز و طبیعت غریبی می‌شود. داستان در واقع ماجرای سروانی بسیار متعصب در کار خود است که ما مور می‌شود در منطقی‌های در آمازون روسپی خانم‌های برای سربازان دایر کند. این سروان شرح پیشرفت کار خود و فعالیت «کارمندان» را مرحله به مرحله با زبان ارتشی و در قالب نامه‌های اداری برای مقامات مافوق ارسال می‌کند. متا سفته این کتاب به سبب زبان بی پروا و برخی مسایل دیگر قابل انتشار به فارسی نیست. کتاب دیگر بارگاس یوسا که می‌توان به زبان خاص آن اشاره کرد رمان کوتاهی است با عنوان چه کسی پالومینو مولرو را کشت؟



زبان‌های گوناگون است. روایت گاه توصیف مصائب صحرانشینان در جنگال قحطی و بی‌آبی صورتی مرثیه‌وار می‌یابد گاه در زبان گاسیلئوگا زبانی ایدئولوژیک و سرشار از اصطلاحات انقلابیون قرن نوزدهم می‌شود گاه در زبان مرشد به زبانی توراتی بدل می‌گردد و گاه در زبان آن قصه‌گوی عجیب به زبان افسانه‌های پریان مانند می‌شود. و آن گاه در توصیف طولانی‌ترین و هول‌آورترین جنگه جنگ آخر زمان، طرحی از زبان حماسه و مرثیه در هم می‌آمیزد. بارگاس یوسا در «جنگ آخر زمان» نشان می‌دهد که حتی امروز می‌توانیم با بهره‌گیری از سبکی کلاسیک رمانی نو و بزرگ بنویسیم.

آخرین رمانی که باید به آن اشاره کنم «سور بُز» است. این کتاب از سه لایه به هم پیوسته تشکیل شده. لایه نخست ماجرای اورانیا است. دختری که کمی قبل از ترور تروخیو از دومینیکن گریخته است و حالا بعد از سی سال به میهن بازگشته و ماروایت دوران پر هول و هراس حکومت تروخیو را از زبان و در بازتاب‌های ذهنی او می‌خوانیم. لایه دوم توصیف چند نفری است که در اتوموبیل نشسته‌اند و چشم به راه اتوموبیل تروخیو است که آن را به گلوله بینند. در همین جا ما با شخصیت و پیشینه هر یک از این آدم‌ها آشنا می‌شویم. لایه سوم توصیف خود تروخیو است. در این لایه ما با زندگی و افکار دیکتاتور آشنا می‌شویم. زیردستان و کارگزارانش را می‌شناسیم و هیجانانگیز عواطف و دغدغه‌های فکری‌اش را به روشنی مشاهده می‌کنیم. هر یک از این سه لایه بنا بر ماهیت خود زمان روایت خاصی دارد. مثلاً زبان توصیف شکنجه‌ها را با زبان تند و پر هیجان صحفه ترور مقایسه کنید و نیز زبان به کار رفته در توصیف ماجرای دردناکی که بر اورانیای جوان می‌گذرد.

هر یک از آثار بارگاس یوسا در واقع تجربه‌ی جدیدی در زبان است و ترجمه هر یک از این آثار نیز تجربه‌ای خاص در زبان فارسی بوده. رسیدن به این تنوع شگفت در داستان‌پردازی بی‌گمان نیاز به تسلط کامل بر زبان و شناخت انواع زبان و شیوه کاربرد آن دارد و این چیزی است که نویسندگان جوان و نیز مسئولان باید به آن بیش از پیش توجه کنند. باید بدانیم که با واژگانی محدود و با شناختی ناقص از امکانات زبان نه پدید آوردن رمانی ارزشمند مسیر است و نه ترجمه رمانی‌هایی در ردیف آثار بارگاس یوسا شناخت عمیق زبان فارسی برای ترجمه رمان از شرایط اصلی کار است و این چیزی است که متأسفانه در بسیاری از ترجمه‌های امروز فقدان آن احساس می‌گردد.

این رمان از آن داستان‌هایی است که اگر زبان آن را بگیریم آن چه ماند در عین جذابیت هرگز به پایه شکل اصلی نخواهد رسید. در این داستان شخصیت‌ها اغلب از طبقات پایین جامعه هستند و زبانی خاص همان مردم دارند. از این روست که زبان این رمان اغلب بی‌پرده و گستاخ است و همین زبان در متن داستانی که در ظاهر جنایی می‌نماید جذابیتی خاص به روایت داده.

و به همین دلیل هم متأسفانه تاکنون موفق به اخذ مجوز انتشار آن نشده‌ام و این می‌تواند برای نویسندگان جوان آموزنده باشد.

در کنار این کتاب‌ها که اغلب رنگ تاریخی و اجتماعی دارند بارگاس یوسا رمان کوچکی با عنوان «در ستایش نامادری» دارد. مایه اصلی این کتاب عشق و جوانی است به نامادری زیبا و افسونگرش متن کتاب بی‌گمان یکی از بهترین نمونه‌های زبان ارویتیک است که با ظرافت و بسیار شعرانه نوشته شده است. نکته‌ای که به جاست به آن اشاره کنم این است که مرز میان زبان ارویتیک و زبان پورنوگرافیک بسیار باریک و گاه حتی نامشخص می‌شود و این می‌تواند لغزشگاه مهیبی باشد برای نویسندگانی کارشان ربطی به پورنوگرافی ندارد. از سوی دیگر تشخیص این دو مقوله تا حدود زیادی به فرهنگ مخاطب بستگی دارد. اما به طور کلی می‌توان گفت زبان یوسا در این رمان عاشقانه محض، در عین بی‌پروایی از لغزش به سوی پورنوگرافی پرهیز کرده و ارزش آن نیز به همین دلیل است.

اگر از یکی دو کتاب دیگر بگذریم به «جنگ آخر زمان» می‌رسیم. کتابی که بسیاری از منتقدان آن را در کنار «جنگ و صلح» تولستوی جای می‌دهند و در ایران نیز خوشبختانه با استقبال خوب خوانندگان روبرو شد. این کتاب هم به لحاظ حجم و هم از حیث کثرت شخصیت‌ها و نیز به خاطر مضمون داستان جایی خاص در آثار بارگاس یوسا دارد. اگر از جا به جایی فصل‌ها که سبب شده روایت صورت خطی نداشته باشد بگذریم. شیوه روایت «جنگ آخر زمان» یادآور رمان‌های بزرگ قرن نوزدهم است. نویسندگانی که در گفتگور در کاتدرال، خانه سبز و زندگی واقعی آلخاندرو ماتیا و... شکردهای تازه و بی سابقه‌ای برای روایت ابداع کرده در این رمان بیانی کم و بیش کلاسیک می‌یابد. توضیحات طولانی و دقیق از مکان‌ها و توصیف مو به موی جنگ‌ها، توصیف دقیق و طولانی جنال میان دو تن و آن گاه بیان احوال درون به شیوه‌ای ساده و نور از پیچیدگی‌های رایج در رمان نو سبب شده زبان روایت با فضای قرن نوزدهم به خوبی در هم بیامیزد. زبان جنگ آخر زمان آمیزمای از